



Re-examining and Epistemic Analysis of the Phrase “...Al-ladhīna badhalū muhajjahum dūna al-Ḥusayn (as)” in Ziyārat ‘Āshūrā Based on Lexicography

*Mahboubeh Musaipour

* Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran. m.mousaeipour@pnu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
DOI: 10.22084/dua.2026.30940.1156 Article history: Received: 2025 May 15 Received in revised: 2025 Sept 29 Accepted: 2025 Dec 7 Keywords: Ziyārat ‘Āshūrā, Muhaj, Badhl, Dūn, Semantics, Heart's Blood * Corresponding author. Email: m.mousaeipour@yahoo.com Publisher: Bu-Ali Sina University.	The written heritage of the infallible Imams (as), in the form of supplications (du‘ā’) and pilgrimages (ziyārah), constitutes valuable works that serve as a moral curriculum for the believing human being in relation to God, the self, and both individual and social relationships. This precious treasury, in the context of understanding religious teachings, also broadens the epistemic perspective and intellectual horizon of Shi‘a followers. Therefore, a content-based re-examination of this rich source with a scholarly and profound approach aimed at uncovering its lesser-explored educational and intellectual functions is necessary. The present study, with the aim of elucidating deep epistemic points and using a descriptive-analytical method, examines the phrase “...al-ladhīna badhalū muhajjahum dūna al-Ḥusayn (as)” in Ziyārat ‘Āshūrā, based on reflection on the key terms (badhl, muhaj, and dūn) and the relationship and application of these words. In this approach, badhl is understood as the utmost form of giving, meaning a donation without expectation and with sincere willingness, and muhaj (from muhjāh) is defined as the last drops of pure blood in the body, which resides in the heart itself. This phrase, as a model for the free human being, depicts the pinnacle of self-sacrifice by the companions of truth, who, in proximity and similarity to their Imam (the meaning of dūn), even gave the blood in their hearts. From this perspective, the mentioned phrase also affirms historical reports regarding the mutilation and trampling of the bodies of the martyrs of ‘Āshūrā, especially Imam Ḥusayn (as), by the army of Yazīd.





بازخوانی و تحلیل معرفتی فراز «الَّذِينَ بَدَلُوا مَهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ (ع)» در زیارت عاشورا با استناد به لغت

محبوبه موسائی پور *

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران m.mousaeipour@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
شناسه DOI : 10.22084/dua.2026.30940.1156 سابقه مقاله: تاریخ دریافت : ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ تاریخ بازنگری: ۷ مهر ۱۴۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۶ آذر ۱۴۰۴ کلیدواژگان: زیارت عاشورا، مهج، بذل، دون، معنائشناسی. خون قلب. ناشر : دانشگاه بوعلی سینا	میراث مکتوب امامان معصوم در قالب ادعیه و زیارات، آثار ارزشمندی هستند که به‌منزله درس‌نامه اخلاقی انسان مؤمن در نسبت با خدا، خویش و روابط فردی و اجتماعی او محسوب می‌شوند. این گنجینه گران‌بها در راستای شناخت معارف دینی، موجب افزایش دیدگاه معرفتی و وسعت افق فکری شیعیان نیز هست. به‌همین جهت، بازخوانی محتوایی این منبع غنی با نگاه عالمانه و ژرف‌اندیش با هدف کشف کارکردهای تربیتی و فکری کمتر بیان شده ضروری می‌نماید. پژوهش حاضر با هدف تبیین نکات معرفتی عمیق و با روش توصیفی تحلیلی به بررسی فراز «الَّذِينَ بَدَلُوا مَهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ» در زیارت عاشورا، بر مبنای تامل در لغات کلیدی (بذل، مهج و دون) و ارتباط واژه‌ها و نحوه کاربرست آن‌ها پرداخته است. در این رویکرد بذل به معنای منتهای بخشش یعنی عطای بی‌چشم‌داشت و با طیب خاطر و مهج از مهجه به معنای آخرین قطرات خون خالص موجود در بدن که در خود قلب است، می‌باشد. این فراز در الگودهی به انسان آزاده اوج جان‌فشانی یاران حق را به تصویر می‌کشد که نزدیک و شبیه به امامشان (معنای دون)، خون موجود در قلبشان را نیز بخشیدند. با این نگاه فراز یادشده مهر تأییدی بر نقل‌های تاریخی مبنی بر مثله‌کردن و اسب‌تاختن بر پیکر شهدای عاشورا به‌خصوص امام حسین (ع) توسط سپاه یزید نیز هست.



۱. مقدمه و بیان مسئله

یکی از اهداف مهم دعاها و زیارات مربوط به اهل بیت(ع) در منابع مکتوب اسلامی توجه به کارکردهای گوناگون و اثرات تربیتی و فکری آنها در طیف متفاوت مخاطبان خود است. از سوی دیگر، گاه مشاهده می‌شود، برخی از مبلغان و مداحان به هنگام قرائت این دعاها و زیارات، با انگیزه بالا بردن شور مردم و ایجاد معرفتی عمیق‌تر در آنها، به اغراق‌گویی و چوب‌بسا ذکر وقایع غیرمستند می‌پردازند. این در حالی است که اگر در متن همین منابع دعایی و به‌طور خاص در نحوه کاربست لغات و واژه‌های آن تأمل اندیشمندانه بیشتری صورت گیرد و ارتباط واژه‌ها در فرازها، مورد بررسی، تحلیل و تعمق قرار گیرد. نکات معرفتی ناب حاصل می‌گردد که با ذکر آنها نیازی به پرگویی و ذکر گزاره‌های غیر مستند نخواهد بود. یکی از این منابع مکتوب دعایی، زیارت عاشورا، موجود در آثار حدیثی و نیز مفاتیح الجنان است که به حقیقت، تبیینی چندوجهی با کارکردهای مختلف در حوزه شناختی و معرفتی داشته و مخاطب خود را به تدقیق و تفکر در ابعاد مختلف قیام امام حسین(ع) و یارانش وامی‌دارد. در این میان، فراز پایانی این زیارت یعنی فراز «الَّذِينَ بَذَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ» مورد توجه و بررسی این پژوهش قرار گرفته است تا با روش توصیفی-تحلیلی و تأمل در لغات کلیدی و ارتباط واژه‌ها و نحوه کاربست آنها، نکات معرفتی جدیدی را تبیین نماید که تاکنون در ترجمه‌ها به آن پرداخته نشده است. بر همین اساس، این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال محوری است که ترجمه دقیق و متفاوت فراز ذکر شده بر مبنای دقت در معنای واژگان کلیدی که باعث معرفت‌افزایی شده و در ترجمه‌ها به آن اشاره نشده، کدام است؟

۲. پیشینه

درباره زیارت عاشورا مقالات فراوانی نوشته شده است. در برخی از این مقالات، بررسی سندی و وثاقت این زیارت، مورد مطالعه قرار گرفته است، مانند مقاله «پژوهشی در اسناد و نسخه‌های زیارت عاشورا» که توسط محمدجعفر رضائی نگارش یافته و در مجله علوم حدیث دوره ۱۳، شماره ۴۹ و ۵۰، در سال ۱۳۸۷ منتشر شده است. همچنین مقاله «توصیف رجال اسناد زیارت عاشورا با تلفیقی از دو رویکرد وثوق راوی و وثوق صدور» نوشته عمران عباس‌پور و علی رضایی که در مجله مطالعات قرآن و حدیث سفینه سال ۱۴۰۳ شماره ۸۲ چاپ شده است. برخی دیگر از مقالات، به‌صورت موضوعی به تتبع در این زیارت پرداخته‌اند، مانند مقاله «بررسی شناخت توحید در زیارت عاشورا» نگارش یافته ابوالفضل احمدی و منتشر شده در نشریه معرفت مردادماه سال ۱۴۰۱، شماره ۲۹۶. برخی دیگر نیز پیرامون محتوا و بخش‌های خاصی از زیارت عاشورا به نگارش در آمده است که از جمله آنها، مقاله «تأملی در اصالت عبارت «جاهدت الحسین»» در متن زیارت عاشورا» نوشته رضا مهدیان‌فر است که در نشریه پژوهش‌نامه حج و زیارت، زمستان ۱۴۰۰، سال ششم - شماره ۱۵ منتشر شده است، اما پیرامون فراز «الَّذِينَ بَذَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ»، اگرچه یادداشت‌های پراکنده در برخی سایت‌ها یا وبلاگ‌ها به چشم می‌خورد، اما تاکنون پژوهش مستند یکپارچه و مستقلی که با تکیه بر لغت و ارتباط واژه‌ها سعی در تبیین و معرفت‌افزایی بیشتر این فقره از زیارت داشته باشد؛ صورت نگرفته است و به‌همین دلیل این پژوهش در نوع خود بدیع است.

۳. زیارت عاشورا و گزیده‌ای از اقوال مترجمان درباره فراز «الَّذِينَ بَذَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ»

زیارت عاشورا، نجوایی الهی است که خط به خطش، ذکر حماسه خونین مردانی است که در رکاب امام معصومشان قدم بر نردبان عروج نهادند تا با فدا نمودن هستی خویش در مسلخ عشق ارکان و شرایع آخرین دین الهی دفاع نموده، به مقام محمود و کسب فیض رضای الهی نائل آیند.



این زیارت، نه تنها سند زنده و گویای مظلومیت، بلکه عزّت و عظمت سبط نبی اعظم و شاه راه حیات مذهب بر حقّ تشیع است. زیارت عاشورا، هویت شیعه و بازگوکننده نهایت شقاوت اعداء و عروج بی‌منت‌های اهل ولاست. بر همین اساس دشمنان حق ستیز، دائماً درصدد محو این زیارت - که بازگوکننده حقایق و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام است - هستند و در طول تاریخ به هر وسیله‌ای متوسّل شدند تا ارزش و اعتبار این هدیه آسمانی را محو نمایند، اما در هر برهه از زمان، مردان صاحب کمال، با نهایت درایت و فقاقت در مقابل این افکار شوم دشمنان خیره سر ایستاده و از حقانیت اهل بیت دفاع نمودند (تبریزی، ۱۳۸۹: ۱۷/۱-۱۸) و کتب و مقالات زیادی پیرامون اعتبار و وثاقت آن به رشته تحریر درآوردند. روایات فراوان معصومین پیرامون فضیلت قرائت این زیارت نیز شاهد گویای دیگری از عظمت و اعتبار متن و محتوای آن است که کارکرد اساسی و بی‌مانند آن در راستای تقویت و تثبیت نظام فکری، اعتقادی و اخلاقی مکتب تشیع و ترویج معارف حق اهل بیت در سبک زندگی جامعه مسلمانی بصیر و پویا است. برخی از این فضایل که در کتب روایی آمده، عبارتند از:

حفظ عرض و اموال (محدث نوری، بی‌تا: ۲۴۰/۱۰)، محبوب‌ترین و برترین اعمال (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۳۹۰/۱۰)، برابر دیدار خدا در عرش (خراسانی، ۱۴۲۸: ۳۶۳/۱)، دفع پریشانی و قضاء حوائج (محدث نوری، بی‌تا: ۲۳۸/۱۰)، طول عمر و افزایش رزق و روزی (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۷/۸۹-۴۶)، آموزش گناهان و اعطاء ثواب هزار حج (ابن بابویه قمی، بی‌تا: ۲۰۶/۱)، حرعاملی، ۱۴۱۲: ۳۴۷/۱۰، ایام زیارت جزء عمر حساب نمی‌شود (ابن قولویه قمی، بی‌تا: ۱۴۷؛ بروجردی، ۱۴۱۵: ۳۸۲/۱۲) و... است.

محوریت اصلی این پژوهش، ناظر به یکی از فرازهای این زیارت، یعنی فراز: «الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ» و بر مبنای دقت در معانی لغات کلیدی آن به‌خصوص واژه «مهج» است. این فراز در عموم ترجمه‌های موجود، به معنای کلی جان‌دادن و فداکردن جان معنا شده است:

آنان که جانشان را در دفاع از حسین (درود بر او) بخشیدند. (ترجمه حسین انصاریان)

آنان که بی‌دریغ دادند، جان خود را در راه حسین علیه السلام. (ترجمه کمره‌ای)

اصحاب حسین که در راه خدا جانشان را نزد حسین (ع) فدا کردند. (ترجمه الة قمشه‌ای)

اما همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد، به نظر می‌رسد این فراز که بعد از ذکر اصحاب امام حسین (ع) و به‌منظور تبیین بزرگی جایگاه و عظمت کار آنان آمده است، به‌دنبال ترسیم مفهومی قابل مذاقه و فراتر از جان‌دانی باشد که برای هر سربازی در میدان جنگ قابل تصور است. بر همین اساس به توجه و تأمل در در کتب لغت جهت مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی این فراز پرداخته می‌شود.

۴. معنای لغوی واژه «مُهَج»

واژه «مُهَج» جمع «مُهْجَه» است. تتبع در کتب لغت عرب نشان می‌دهد ارباب لغت، معانی مختلفی چون خون، خون قلب، روح و جان برای این واژه بیان کرده‌اند، اما دقت در کتب لغت متقدمان همچون فراهیدی که نزدیک‌ترین زمان به زمان عرب عصر ائمه به‌خصوص قرن اول و دوم دارند نشان می‌دهد که برای این واژه تنها معنای دم القلب به معنای خون قلب که بعد از تمام‌شدنش امکان بقای نفس نیست، به‌کار برده است: «دم القلب و لا بقاء للنفس بعد ما تراق مهجتها» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۹۷/۳). پس از آن، ازهری و ابن منظور نیز همین معنا را بیان کرده و اضافه نموده‌اند که مَهْجَة هر چیزی، بهترین و خالص‌ترین آن چیز است، به‌همین دلیل به شیر خالص «ماهج»، «أَمْهَج» یا «أَمْهَاجان» می‌گویند و منظور از «مَهْجَة نفسه» به معنای



خون خالصش است. (ازهری، ۱۴۲۱ق: ۶/۴۶؛ ابن منظور، بی تا: ۲/۳۷۰). ابن فارس نیز در قرن چهارم گوهر معنایی و اصل این واژه را به معنای هر چیز مایع دانسته و به همین دلیل، شیر رقیق و نازک را «أَمْهُجَان» و «ماهَج» و «مِهَجَه» را خون قلب ترجمه نموده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵/۲۸۰). ابن درید نیز، «مِهَجَه» را خالص نفس و «مِهَجَان» یا «ماهَج» را شیر خالص معنا کرده است (ابن درید، ۱۹۸۷: ۱/۴۹۶). در همین قرن یعنی قرن چهارم، صاحب بن عباد نیز این واژه را به معنای خون قلب ترجمه کرده، عبارت «امْتَهَجَ فُلَانٌ: انْتَزَعَتْ مُهَجَّتُهُ»: خون قلبش خارج شد، معنا کرده است (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۵/۲۷۵)، ابن سیده در قرن پنجم نیز، این واژه را خون قلب دانسته و بیان کرده که خالص هر چیزی را مِهَجَه گفته اند؛ همچنین «المَاهِج» و «الْمُهْج» و «الْأَمْهُجَان» را شیر خالص از آب یا شیر نازک و رقیقی که طعم آن تغییر نکرده، معنا نموده است (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۴/۱۸۰)، جوهری، «مِهَجَه» را به طور خاص برای خون قلب دانسته و «شَحْمُ أَمْهُج» را گوشت نازک و «لَبَن مَاهِج» را شیر رقیق و نازک معنا نموده است (جوهری، ۱۴۰۴: ۱/۳۴۲)، صاحب کتاب الإفصاح فی فقه اللغة، خون یا خون قلب را برای معنای «مِهَجَه» بیان کرده و «امْتَهَجَ» را، «انْتَزَعَتْ مُهَجَّتُهُ»: خورش خارج شد، ترجمه نموده است (حسین یوسف، ۱۴۱۰: ۱/۱۰۸)، سایر لغویان متاخر جمع مِهَجَه را «مِهَج» و «مِهَجَات» دانسته و برای آن، معانی خون یا خون قلب و روح ذکر کرده و مِهَجَه هر چیز را بهترین و خالص ترین آن دانسته اند (معلوف، ۱۳۷۱: ۱/۷۷۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۳/۴۹۴؛ مصطفی ابراهیم، ۱۹۸۹: ۲/۸۸۹؛ شرتونی، ۱۳۷۴: ۵/۲۷۵)؛ بنابراین، می توان گفت عموم لغویان، معنای خون قلب را برای واژه مِهَجَه برگزیده اند و در کتب لغت بعدتر معنای روح و جان اضافه شده است، به خصوص که در کتب متقدمین لغت، تنها این معنا برای واژه مِهَجَه به کار رفته است، چرا که خون قلب، آخرین قطرات خونی است که در بدن باقی مانده است و از آنجا که گوهر معنایی مِهَجَه برای خلوص هر چیزی به کار می رود؛ بنابراین خالص ترین حالت جان دادن و فدا شدن انسان، در حالتی است که آخرین و خالص ترین قطره های خون که در قلبش باقی مانده نیز ادا کند. برای کامل تر شدن توجه به معنای اصیل مِهَجَه، با نظر به این مهم که در قرآن از این ریشه استفاده نشده است، به بررسی این واژه در نهج البلاغه پرداخته می شود.

۵. کاربست «مِهَجَه» در نهج البلاغه

یکی از منابع مهمی که در فهم لغات و گستره معنایی و شرح و تبیین آن ها به عنوان حجتی بی بدیل به شمار می آید، کلام گهربار مولی الموحیدین امام علی (ع) در نهج البلاغه است. کلام ایشان و نحوه کاربست ایشان در انتخاب لغات به عنوان امیر بیان که معاصر نزول قرآن و قرآن ناطق هستند، در کشف و فهم گوهر معنایی و رشته اصیل لغات قابل تأمل و توجه است. همان طور که پیشتر آمد، مِهَج جمع مِهَجَه است. این واژه دوبار در نهج البلاغه، یکی به شکل و صورت جمع، یعنی «مُهْج» و دیگری به صورت «مِهَجَه» و مفرد به کار رفته است. البته یک مورد جمع و به شکل مِهَج، در مقدمه نهج البلاغه و توسط سیدرضی به کار رفته است که باز هم از نظر قرابت زمانی به زمان ائمه و عصر نزول قابل توجه و بررسی می باشد. در فراز ۵۵ مقدمه نهج البلاغه آمده است: «وَ يَعُوذُ بِهٖ يَنْطَفُ دَمَا وَ يَقْطُرُ مُهْجَا» این جمله در ترجمه های مختلف این گونه ترجمه شده است:

«و با شمشیر خون چکان از کارزار باز می گشت». (نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان)

«و درحالی که، از تیغش خون دل دلیران می چکد، از میدان نبرد بازمی گردد». (نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی)

«و با شمشیر خون چکان از میدان کار زار باز می گشته». (نهج البلاغه، ترجمه حسین استادولی)



نکته قابل تأمل در این جمله، هم‌نشینی و همراه مهج با واژه یقطر است که در لغت به معنای خروج قطره قطره و با سرعت آمده و برای خون یا هر چیز مایعی به کار می‌رود (ابن منظور، بی‌تا: ۱۰۸/۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۲/۲۰۵؛ مصطفی ابراهیم، ۱۹۸۹: ۷۴۳/۲).

اما یک موردی که توسط امام علی(ع) در نهج البلاغه به کار رفته، در خطبه ۱۹۵ آمده است که حضرت در پی انذار و هشدار مردم، به توصیف روز قیامت و دمیدن در نفخه صور اشاره کرده، می‌فرماید:

«فَتَزْهَقُ كُلُّ مُهْجَةٍ...» این فراز نیز در ترجمه‌های مختلف این گونه آمده است:

«قلبها از کار می‌افتد...» (نهج البلاغه، ترجمه مکارم شیرازی)

«پس هر جانی از تن بیرون رفته» (نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام)

«و جان‌ها از تنها بیرون آیند» (نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی)

«آن وقت هر روحی از بدن درآید» (نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان)

خوئی در شرح این خطبه از نهج البلاغه، این فراز را به معنای اژه‌پاشیدن و از بین رفتن قلب معنا نموده است: «أی تضمحلّ و تهلك کلّ قلب» (خوئی، ۱۴۰۰ق: ۱۹۸/۱۲). مکارم شیرازی نیز در شرح این فراز می‌نویسد: «(مهجه) در اصل به معنای خونی است که در درون قلب وجود دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۷/۶۴۰). نکته قابل تأمل در کاربست نهج البلاغه از این واژه، همراه و هم‌نشینی آن با فعل «تزهق» است که از ریشه «زَهَقَ» گرفته شده است. این ریشه در لغت به معنای عبور کردن، اضمحلال و متلاشی شدن همراه با سبقت به کار رفته است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/۳۲؛ ابن منظور، بی‌تا: ۱۰/۱۴۷).

از آنجا که در هنگام بررسی واژگان، افزون بر اهمیت و توجه داشتن به کتب لغت، دقت در نحوه کاربست قرآن از آن واژگان در مواضع متعدد، ضرورتی اجتناب ناپذیر است و از آنجا که نهج البلاغه به‌عنوان برادر قرآن در بلاغت و کاربست لغات بیشترین شباهت را به قرآن دارد؛ بنابراین درنگ در آیات قرآن و ملاحظه موضوعات و واژگان همراه آن‌ها در کشف معنای واژه کمک شایان توجه می‌کند؛ زیرا قرآن به‌عنوان مجموعه مهم و کتابی وحیانی، برخوردار از یک نظام هماهنگ و منظم است که هیچ‌گونه تنافی، تعارض و تناقضی در آن راه ندارد. اساساً یکی از وجوه تفسیر و فهم معنای واژگان، ارجاع لغات آیات به یکدیگر است. از این‌روی، ریشه «زَهَقَ» و نحوه کاربست قرآن از این ریشه مورد توجه قرار می‌گیرد تا بتوان معنای مهجه را بهتر درک و فهم کرد، زیرا تفسیر قرآن به قرآن، افزون بر آنکه در رفع گره‌های تفسیر موضوعی قرآن یا آیات مشابه یکدیگر راهگشاست، در تفسیر لغوی، یعنی تفسیر و فهم دقیق واژگان نیز مثمر ثمر است. بدین‌گونه که کاربست‌های خدای تعالی از یک واژه در مجموعه منسجم و واحد قرآن، می‌تواند یاری‌گر محقق در فهم آن واژه باشد. ریشه «زَهَقَ» ۵ بار در ۳ سوره و ۴ آیه از قرآن (توبه / ۵۵ و ۸۵؛ اسراء / ۸۱؛ انبیاء / ۱۸) آمده است. بررسی این آیات نشان می‌دهد تنها در دو آیه سوره توبه (آیات ۵۵ و ۸۵) زهق با نفس انسان هم‌نشین شده و به معنای جان دادن و خروج روح از بدن به کار رفته است. این کاربست در هر دو آیه به‌طور یکسان و در مورد کافران به کار رفته است؛ به همین دلیل تنها به آیه ۵۵ سوره توبه پرداخته می‌شود: «فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ» (اموال و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد. جز این نیست که خدا می‌خواهد در زندگی دنیا به وسیله اینها عذابشان کند و جانشان در حال کفر بیرون رود). برخی مفسران در تفسیر فراز «تَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ»، زهق نفس را به معنای قبض روح و جان دادن و اصل «زَهَقَ» را به معنای ذهاب (سمرقندی: ۲/۶۵؛ ماتریدی: ۵/۳۸۹) یا تلاشی و تبطل (جرجانی، ۱۴۳۰: ۱/۷۷۵) تفسیر کرده‌اند، اما بیشتر مفسران، ریشه «زَهَقَ» را به معنای خروج با سختی و صعوبت و زهق نفس را به معنای به سختی جان دادن تفسیر نموده‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰:



۳۰۸/۹: کاشانی، ۱۴۲۳: ۱۲۳/۳: اشکوری، ۱۳۷۳: ۲۷۷/۲: فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۴۹/۲: کاشفی، بی تا: ۴۱۵/۱: طوسی، بی تا: ۲۳۹/۵: آلوسی، ۱۴۱۵: ۴۴۹/۳: ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۳۳/۱: بیضاوی، ۱۴۱۸: ۸۵/۳: ثعالبی، ۱۴۱۸: ۱۸۷/۳: حال با توجه به اینکه امام در عبارت «تَزَهَّقُ کُلَّ مُهْجَه» زهق را برای همه به کار برده، پس نتیجه گیری می شود که خروج مهجه برای همه کس با زهق یعنی با سختی و صعوبت همراه است. برگشت این معنا خود نشان از این امر دارد که معنای اصیل مهجه، همان خون قلب و به عنوان آخرین قطرات خونی که در قلب می ماند و خارج نمی شود و در صورت خروج برای همه انسان ها با صعوبت و سختی همراه است که در اثر امری عظیم این خروج اتفاق می افتد: درحالی که مطابق با آیه قرآن، جان دادن تنها برای کافران و نه همه انسان ها، همراه با زهق و صعوبت و سختی است؛ بنابراین، اگرچه در برخی ترجمه ها، «مهجه» به معنای جان و روح ترجمه می شود، اما با توجه به معنای لغوی که در شروح نهج البلاغه آمده و نیز هم نشینی مهجه با «یقطر» و «یزهق» و آنچه از لغت شناسی این واژه به دست آمد، می توان گفت رشته اصیل معنایی این واژه، همان خون قلب است.

۶. معنای لغوی واژه «بذل»

بذل در لغت ضدمنع و به معنای إعطا و بخشیدن به کار رفته است (ابن منظور، بی تا: ۵۰/۱۱: صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۱۰: زبیدی، ۱۴۱۴: ۴۸/۱۴). چند نکته قابل تأمل در معنای این واژه وجود دارد. گوهر معنایی و رشته اصیل این کلمه ریشه در ترک صیانت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۱۶/۱) و اینکه بخشش و دل کردن از آنچه انسان نسبت به آن میل به صیانت و محافظت دارد، در صورتی بذل نام می گیرد که با طیب خاطر و رضایت نفس باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۸: ۱۸۷/۸: طریحی، ۱۳۷۵: ۳۲۰/۵). همچنین در گستره معنایی این واژه، ترک تزیین و آراستن از روی تواضع در بخشش آنچه در توان و قدرت فرد است آمده است (ابن منظور، بی تا: ۵۰/۱۱: مصطفی ابراهیم، ۱۹۸۹: ۴۵/۱). جمع بین این نکات می تواند این معنا باشد که بذل به معنای بخششی است که توقع چشم داشت و جبران و برگشتنی برایش نباشد. بذل، آن إعطایی است که فقط می بخشد. اصلاً مهم نیست که بعد چه می شود. نمی دهد که بعد چیزی بگیرد و در یک کلام بخشش بدون چشم داشت است.

۷. معنای لغوی واژه «دون»

«دون»، واژه ای است که در حالت ظرف مکان و برای نعت، منصوب شده و فعلی از آن مشتق نشده است. در کتب لغت به معانی مختلفی همچون حقیر، ناقص از دیگری، پائین، فوق، جلو، عقب و برای استثنا و به معنی غیر نیز بکار رفته است (ابن منظور، بی تا: ۱۶۴/۱۳: جوهری، ۱۴۰۴: ۲۱۱۵/۵: صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۳۵۹/۹: شرتونی، ۱۳۷۴: ۲۵۵/۲: معلوف، ۱۳۷۱: ۲۳۱/۱). ابن فارس بر این نظر است که اصل این ریشه، دلالت بر قرابت و فاصله کم دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۱۷/۲)، در کتب لغت متقدم نیز که نزدیک ترین فاصله زمانی به عرب عصر نزول و دوران ائمه دارند، بیشتر بر معنای تقریب و پایین تر تأکید شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۸: ۷۲: ازهری، ۱۴۲۱: ۱۲۷/۱۴: ابن درید، ۱۹۸۷: ۶۸۶/۲: حمیری، ۱۴۲۰: ۲۱۸۷/۴). به عنوان مثال، فراهیدی معتقد است، این واژه اگر، دلالت بر تقریب داشته باشد، منصوب و اگر برای تحقیر بیاید، مرفوع می شود (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷۲/۸). در قرآن نیز این واژه ۱۴۴ بار به شکل ظرف مکان و منصوب یا به شکل اسم و مضاف و جار برای مجرور به کار رفته است که بنا بر نظر لغت شناسان قرآنی در معانی پایین تر، نزدیک و غیر به کار رفته است (راغب، ۱۴۱۲: ۳۲۳: قرشی، ۱۳۷۱: ۳۷۹/۲).



بنابراین، بر اساس موارد گفته شده در بستر لغت‌شناسی می‌توان گفت عبارت «دَوْنُ الْحُسَيْنِ» در فراز مورد بحث در زیارت عاشورا یعنی فراز «الَّذِينَ بَذَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ» به دو معنا می‌تواند کاربرد داشته باشد، یکی به معنای پایین‌تر و به این مضمون که یاران امام حسین بذل دم قلبشان از حیث شرافت اگر چه نسبت به همه شهدا و انسان‌های جان‌فدایی اهل بیت برتر و بیشتر بوده، اما نسبت به بذل خون امام حسین (ع) در راه خدا پایین‌تر بوده است. معنای دوم به معنای نزدیک‌ترین، با این توضیح که یاران امام حسین (ع) بذل باقی‌مانده خون قلبشان بسیار نزدیک و شبیه بذل خون امامشان، امام حسین (ع) است. اما با توجه به کلام فراهیدی که نزدیک‌ترین زمان به عصر نزول از حیث کاربرد معانی اصیل نزد عرب دارد و این واژه را در حالت نصب برای معنای تقریب به کار برده است و نیز با توجه به اینکه دلالت زیارت و جملات این فراز بر تکریم جایگاه یاران امام حسین (ع) است، به نظر می‌رسد، معنای دوم صحیح‌تر و مقصود فراز باشد.

۸. معنا و مقصود از فراز «الَّذِينَ بَذَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ» بر مبنای مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی

از آنچه پیرامون مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی فراز «الَّذِينَ بَذَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ» به‌خصوص واژه مهجه گذشت، اکنون می‌توان معنای این فراز را این‌گونه بیان کرد که یاران امام حسین (ع) کسانی بودند که خون موجود در قلبشان را بذل کردند، بسیار شبیه و نزدیک بذل خون امامشان. در اینجا چند نکته مهم قابل تأمل است. توضیح آنکه با توجه به معنای «مهجه» یک پرسش جدی که به ذهن متبادر می‌شود اینکه در بذل خون قلب چه برتری و وجه متفاوتی وجود دارد که در این فراز به‌عنوان شاخصه‌ای ویژه برای یاران امام حسین (ع) ذکر شده است که به مقامی همچون نزدیکی به بذل خون امام حسین (ع) نزدیک می‌شود؟ آیا اصولاً در راه جان‌فشانی برای خدا در مورد هرشهادی امکان بذل خون قلب وجود دارد؟ مگر نه اینکه قلب، وظیفه خون‌رسانی به کل بدن را به عهده دارد و با هر زخم و جراحی که شهید بر می‌دارد، خون از بدنش خارج می‌شود و در راه خدا نثار می‌کند؛ پس چرا در این فراز به‌طور خاص از خون قلب سخن به میان آمده است؟ بنابراین، به نظر می‌رسد این فراز در پی بیان نکته‌ای دیگر بوده باشد. توضیحی که در اینجا می‌توان بیان داشت اینکه در بدن انسان مقدار خون مشخصی از قلب خارج می‌شود و در اعضا و اندام پخش شده و باعث توان و آمادگی انسان مؤمن می‌شود و او با این قوت و قدرت آمده، فداکاری و جان‌فشانی در راه معشوق و محبوب خود می‌شود. عبدصالح پس از آنکه در میدان نبرد متحمل سختی‌ها و رنج‌ها شد و جراحات برداشت و زخم‌ها خورد، خون موجود در بدن پاکش از طریق این جراحات خارج شده و در نهایت به ضعف و ناتوانی رسیده و دیگر خونی در بدن ندارد تا رمق و جانی بماند و فدای محبوب کند. تا اینجا تمام شهدا در ادای جان و خون‌فشانی در راه محبوب با هم برابرند، اما مهج از مهجه به معنای خون قلب، باقی‌مانده خونی می‌تواند باشد که در قلب مانده و از قلب خارج نشده و وظیفه‌اش تغذیه خود قلب بوده و برای حفظ عملکرد طبیعی قلب و آمادگی برای انقباض بعدی ضروری است که به آن حجم باقی‌مانده بطنی (ESV) می‌گویند (ر.ک: قلب و عروق و خون، ترجمه: حلیمه امینی و همکاران، چاپ ششم، تهران: سالمی و جامعه نگر، ۱۳۸۹)، چون خود قلب دیگر توانی ندارد تا این مقدار خون را به اعضا و جوارح بدن برساند و آن را از درون خود خارج سازد. این فراز در پی بیان این نکته است که یاران امام حسین (ع) این باقی‌مانده خون در قلب را که قابل خارج شدن نیست و لخته می‌شود، نیز همچون مولای خود، با طیب خاطر و بدون چشم‌داشتی فدای محبوب کردند. در زیارت اربعین نیز راجع به حضرت سیدالشهدا (ع) آمده: وَ بَدَّلَ مَهْجَتَهُ فَيْكُ؛ امام حسین (ع) خون قلب خود را در راه خدا بذل کرد.



اما اینکه چگونه خون قلب نیز در راه خدا بذل شده است، نکته قابل تأمل و دقت در این فراز از زیارت عاشورا است. با توجه به اینکه در بسیاری از منابع تاریخی نقل شده که یکی از جنایت‌هایی که سپاه یزید در کربلا مرتکب شد و نشان از وسعت و عمق دشمنی و کینه‌توزی آنان با امام داشت، مثله کردن و اسب‌تازاندن بر پیکر شهدای کربلا به‌خصوص امام حسین (ع) بود، می‌توان منظور از این فراز و بذل خون قلب را به همین واقعه مربوط دانست، زیرا در اثر مثله کردن و تاختن اسب بر روی بدن پاک شهدا باقی‌مانده خون قلب آن‌ها نیز از آن خارج و در راه خدا فدا شده است. اما از آنجا که جهت افتخار و گرفتن پاداش از یزید و عبیدالله زیاد، برخی افراد در تازاندن اسب بر پیکر و بدن مطهر امام حسین (ع) از یکدیگر پیشی می‌گرفتند، این امر در مورد شخص امام خیلی بیشتر و شنیع‌تر بوده است. به عبارت دیگر، اگر چه پیکر امام حسین (ع) مقصود و هدف اسب‌سواران جویای نام و نانی بوده است که افتخار اجرای دستور عبیدالله را به اسم خود کنند اما بی‌گمان، پیکر دیگر شهدا نیز از این تاختن بی‌نصیب نبوده است. به گونه‌ای که سید بن مالک یکی از آن زنازادگان شریک در این کار (در برخی منابع تاریخی نام او مالک بن اُسَید الحضرمی ذکر شده) (ابن‌آثیر، ۱۳۸۵، ج ۴: ۹۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۰۴/۳)، بعد از این جنایت نزد عبیدالله بن زیاد این شعر را خواند:

«نحن رضنا الظهر بعد الصدر بکل یعوب شدید الاسر»

ما ستون فقرات را بعد از استخوان‌های سینه با اسبان تیزپا و قوی متلاشی کردیم. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۹/۴۵؛ ابن طاووس، ۱۴۱۷: ۱۸۳). توضیح تفصیلی آنکه یکی از متواترات تاریخی که در بسیاری از کتب و منابع تاریخی فریقین با تفاوت‌های اندک نقل شده است، دستور عبیدالله بن زیاد است که در نامه‌ای به عمر بن سعد از او خواست اگر حسین بن علی (ع) و یارانش تسلیم شدند، آن‌ها را سالم به نزد من بیاور، اما اگر حاضر به تسلیم نشدند، آن‌ها را به قتل برسان و اعضای بدنشان را قطعه قطعه کن که سزاوار این کار هستند، و اگر حسین (ع) را کشتی بر سینه و پشت وی اسب بتازان؛ زیرا من نذر کرده‌ام و قول داده‌ام این کار را انجام دهم (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۸۳/۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۱۴/۵؛ ابن‌اثیر جزری، ۱۳۸۵: ۵۵/۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۹۷/۴؛ عسکری، بی‌تا: ۸۶/۳؛ امین عاملی، بی‌تا: ۵۹۵/۱؛ مقریزی، ۱۴۱۸: ۳۲۷/۲؛ ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۹۳/۵؛ یوسفی، بی‌تا: ۱۳۵/۶). منابع تاریخی و حدیثی چنین نگاشته‌اند که به دنبال نامه عبیدالله بن زیاد و فراخوان داوطلب برای این کار، ده نفر پذیرفتند که چنین جسارتی را انجام دهند (طبری، ۱۳۸۷: ۴۱۵/۵؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱۱۳/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۷۱/۵؛ امین-عاملی، ۱۹۹۶: ۱۹۵/۱). از ابوعمر و زاهد یکی از لغت‌شناسان و ادیبان قرن چهارم نقل شده: «احوال این ده نفر را بررسی کردم، همه آنان را فرزندان زنا یافتیم» (ابن طاووس، ۱۴۱۷: ۱۸۳). افزون بر همه موارد تاریخی، در زیارت ناحیه مقدسه نیز از زبان حضرت ولی عصر (عج) می‌خوانیم که خطاب به جد بزرگوارشان حضرت سیدالشهداء (ع) می‌فرمایند: «تَطْلُوكَ الْخَيُْولُ بِحَوَافِرِهَا»؛ اسب‌ها با سم‌هایشان تو را لگدکوب کردند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴۰/۹۸). همچنین در فراز دیگری از این زیارت می‌فرمایند: «سَلَامٌ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ..... بَدَلُ حُشَاشَتِهِ دُونَكَ» و از بذل «حُشَاشَه» سخن به میان آورده‌اند که این واژه در کتاب لغوی متقدم، فراهیدی، به معنای روح قلب آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۱/۳)؛ بنابراین، امام عصر در این فراز می‌فرمایند: «سلام! کسی که اگر در آن صحرای کربلا همراهت بود، روح قلبش را همچون تو... بذل می‌کرد» و بر همین اساس است که در ادامه بیان می‌دارند، اما شب و روز تا آخر عمر و تا لحظه‌ای که جان در بدن دارم در مصیبتی که بر تو رفت، آنقدر گریه می‌کنم تا اشک چشمانم تمام شود. پس به جای اشک، خون گریه می‌کنم و آنقدر ادامه می‌دهم تا تمام خونی که باید در کربلا فدای تو می‌کردم از چشمان گریانم جاری و خارج شود، سپس خون باقی‌مانده در درون قلبم را با گریه، فدای تو می‌کنم تا جایی که دیگر چیزی از من باقی نماند. این مطلب امام و نیز دقت در واژه «الذین» در فراز «الذین بذلوا مهجهم دون الحسين»



که اسم موصول بوده و اشاره به گروهی از افراد دارد که در یک صفت یا ویژگی مشترک هستند (تهانوی، ۱۹۹۶: ۲/۱۰۹۴). گویای این نکته تربیتی است که در هر ازمنه و امکانهای، فرصت، جهت یاری رسانی به حق و حقیقت و در زمره اصحاب امام قرار گرفتن برای همه آزادگان جهان به خصوص، شیعیان راستین فراهم بوده و خط مشی یاران حسین (ع) در یاری امام زمانشان، قابل الگوگیری است.

بنابراین و بر اساس همه مواردی که ذکر شد، می توان گفت فراز «الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمُ دُونَ الْحُسَيْنِ» با به کارگیری و چینش کلمات و واژگان لطیف و ظریف، اما بسیار عمیق و قابل مذاقه همچون «بذل»، «مهجه» و «دون»، اعجازی از وسعت فهم دقیق و ضابطه مند نکات تفسیری وسیع و بدیع و به غایت زیبا را در ترسیم نموده و معنای بسیار در لفظ اندک را در کالبد کلمات تلخیص نموده تا تشنگان و شیفتگان ژرف اندیش در اسرار مکتب اهل بیت (ع) را همواره در درازنای تاریخ سیراب و شگفت زده نماید و بیش از پیش قدردان ادعیه و زیارات وارده، این میراث مکتوب ارزشمند باشند.

۹. نتیجه گیری

بر پایه بررسی های صورت گرفته بر مبنای لغت و سیاق در این پژوهش، نتایج حاصل از تامل در فراز «الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمُ دُونَ الْحُسَيْنِ» در زیارت عاشورا به قرار زیر است:

از آنجا که گوهر معنایی واژه بذل ریشه در ترک صیانت دارد، در این فراز نیز به معنای بخشش بدون چشم داشت و همراه با رضایت نفس است. اصالت واژه دون نیز دلالت بر قرابت و فاصله کم دارد و از آنجا که عبارات زیارت عاشورا بر تکریم جایگاه یاران امام حسین (ع) متمرکز است، به نظر می رسد، در این فراز نیز به همین معنا آمده است و ترجمه آن به قرار زیر است: یاران امام حسین (ع) بذل خونشان بسیار نزدیک و شبیه بذل خون امامشان امام حسین (ع) است.

تتبع در کتب لغت نشان می دهد اگرچه برای معنای ریشه «مهجه» در مهج، معانی مختلفی همچون خون، روح و جان به کار رفته است، اما این ریشه در کتب لغت متقدمین به معنای خون قلب و خالص ترین هر چیز معنا شده است. بنابراین، مقصود از آن در این فراز نیز به معنای خون خالصی است که بعد از خارج شدن کامل خون از بدن، مقداری در قلب باقی مانده است. این معنا را کلام امام علی (ع) در نهج البلاغه نیز تأیید می نماید.

در مجموع ترجمه تفسیری فراز «الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمُ دُونَ الْحُسَيْنِ» به این معنا است که یاران امام حسین (ع) (به غیر از جانشان) حتی آن مقدار خون باقی مانده در قلبشان را شبیه و نزدیک به امامشان، امام حسین (ع) با طیب خاطر و بی چشم داشت بخشش نمودند. این مطلب می تواند به گونه غیرمستقیم اشاره به اسب تاختن بر پیکر شهدا به خصوص امام حسین (ع) توسط سپاه یزید باشد که در منابع تاریخی نقل شده است و در کلام امام عصر عج در زیارت ناحیه مقدسه نیز به آن اشاره شده است. می توان گفت ادعیه و زیارات معتبر و مکتوب در منابع حدیثی مسلمانان، به عنوان اسناد قابل تدقیق و میراث ارزشمندی هستند که ژرف اندیشی در آنها نکات عمیق معرفتی و پنجره جدیدی از استنباط و بازآموزی به روی انسان مسلمان می گشاید.

بر مبنای مفهوم شناسی و تبیینی که از این فراز مکتوب شیعه در زیارت عاشورا به دست می آید؛ مواجهه و عملکرد یاران امام حسین (ع) در ترسیم اوج یاری امام زمانشان و ایستادگی و پایداریشان در سمت درست تاریخ، برای شیعیان راستین و نیز همه انسان های آزاده و جویای حق قابل تأمل و توجه است تا با نکات ارزنده ای که از این جملات برداشت می شود، منتهای یاری رسانی به حقیقت و به امام حق با وجود همه مظلومیت های موجود در رؤیای رویی حق و باطل، فهم، تفهیم و مورد الگوگیری واقع شود؛ چرا که ندای یاری خواهی برای اعتلای حق و حقیقت همچنان بلند و فرصت برای بذل مهجه و در جرگه اصحاب امام قرار گرفتن همچنان فراهم است.



فهرست منابع

- قرآن کریم. ترجمه فولادوند.
- آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن محمد. (۱۳۸۵ق). **الکامل فی التاریخ**. بیروت: دارصادر، چاپ اول.
- ابن اعثم کوفی، احمد. (۱۴۱۱ق). **الفتوح**. تحقیق: علی شیر، بیروت: دارالاضواء.
- ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی. (بی تا). **الامالی**. قم: موسسه البعثة.
- ابن جوزی، عبدالرحمن. (۱۴۱۲ق). **المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک**. محقق: عطا محمد عبدالقادر، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن درید، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). **جمهره اللغه**. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق). **المحکم و المحيط الاعظم**. محقق: عبدالحمید هندای، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن طاووس، سید رضی الدین. (۱۴۱۷ق). **مقتل الحسین (ع) المسمی بالهوف علی قتلی الطفوف**. محقق: شیخ فارس تبریزیان، قم: دار الأسوة للطباعة والنشر، چاپ دوم.
- ابن عاشور، محمدطاهر. (۱۴۲۰ق). **التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور**. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). **معجم مقاییس اللغه**. محقق: هارون، عبدالسلام، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
- ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد. (بی تا). **کامل الزیارات**. قم: مکتبه الصدوق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). **لسان العرب**. بیروت: دار صادر للطباعة و النشر.
- احمدی، ابوالفضل. (۱۴۰۱ش). «بررسی شناخت توحید در زیارت عاشورا». **معرفت**. شماره پنجم پیاپی ۲۹۶، صص ۲۳-۱۱.
- ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). **تهذیب اللغه**. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- اشکوری، محمد بن علی. (۱۳۷۳ش). **تفسیر شریف لاهیجی**. مصحح: جلال الدین محدث، تهران: نشر داد، چاپ اول.
- امین عاملی، سید محسن. (بی تا). **اعیان الشیعه**. تحقیق: حسن الامین، بی جا، بی تا.
- ----- (۱۹۹۶م). **لواعج الأشجان فی مقتل الحسین (ع)**. بیروت: دار الأمير للثقافة و العلوم، چاپ اول.
- بروجردی، سید حسین. (۱۴۱۵ق). **جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه**. قم: انتشارات مهر.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۱۷ق). **أنساب الأشراف**. تحقیق: سئل زکار و ریاض الزرکلی، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
- بیضاوی، عبدالله عمر. (۱۴۱۸ق). **انوار التنزیل و اسرار التأویل**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- تبریزی، جواد. (۱۳۸۹ش). **زیارت عاشورا**. فراتر از شبهه، قم: دار الصدیقه الشهیده (سلام الله علیها).
- تهانوی، محمد علی. (۱۹۹۶م). **کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم**. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۸ق). **تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن. (۱۴۳۰ق). **درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم**. مصحح: شکور، محمد ادیب، اردن- عمان: دار الفکر، چاپ اول.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۴ق). **الصحاح**. بیروت: دارالعام للملایین.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۲ق). **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**. مصحح: عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حسن یوسف، موسی. (۱۴۱۰ق). **الافصح فی فقه اللغه**. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ چهارم.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). **تاج العروس من جواهر القاموس**. مصحح و محقق: علی هلالی و علی سیری، بیروت: دارالفکر.
- حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق). **شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام**. دمشق: دارالفکر.
- خوئی، میرزا حبیب الله. (۱۴۰۰ق). **منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه**. ترجمه: حسن حسن زاده آملی، محمدباقر کمره ای، تهران: مکتبه الإسلامیه، چاپ چهارم.
- رضائی، محمد جعفر. (۱۳۸۷ش). «پژوهشی در اسناد و نسخه های زیارت عاشورا». **مجله علوم حدیث**، دوره ۱۳، شماره ۴۹ و ۵۰، صص ۱۸۷-۱۵۳.



- زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). **تاج العروس من جواهر القاموس**. مصحح: علی شیر، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
- سمرقندی، نصرین محمد. (۱۴۱۶ق). **تفسیر سمرقندی** (بحر العلوم). محقق: عمروی، بیروت: دارالفکر چاپ اول.
- شرتونی، سعید. (۱۳۷۴ش). **أقرب الموارد في فصیح العربية والشوارف**. تهران: دار الأسوة للطباعة و النشر.
- شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۳۸۸ش). **نهج البلاغه**. ترجمه: حسین انصاریان، قم: دارالعرفان.
- ----- (۱۳۷۸ش). **نهج البلاغه**. ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ----- (۱۳۹۷ش). **نهج البلاغه**. ترجمه و ویراست: حسین استادولی، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- ----- (۱۳۸۴ش). **نهج البلاغه**. ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)
- ----- (۱۳۷۹ش). **نهج البلاغه**. ترجمه و شرح: علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام.
- صاحب بن عباد، اسماعیل. (۱۴۱۴ق). **المحیط فی اللغة**. محقق: محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب چاپ اول.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات چاپ دوم.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۳۸۷ق). **تاریخ الأمم و الملوک** (تاریخ طبری). تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، چاپ دوم.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵ش). **مجمع البحرین**. تهران: مکتبه المرتضویه.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). **التبیین فی التفسیر القرآن**. بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول.
- عباس پور، عمران، رضائی، علی. (۱۴۰۳ش). «توصیف رجالی اسناد زیارت عاشورا با تلفیقی از دو رویکرد وثوق راوی و وثوق صدور». **مطالعات قرآن و حدیث سقینه**، ش ۸۲، صص ۲۷-۱۱.
- عسکری، سیدمرتضی. (بی تا). **معالم المدرستین**. بیروت: مؤسسه النعمان للطباعة و النشر و التوزیع.
- فراهیدی، الخلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). **کتاب العین**. مؤسسه دارالهجره، ط: الثانية.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). **القاموس المحیط**. بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵ق). **تفسیر الصافی**. مصحح: حسین اعلی، تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱ش). **قاموس قرآن**. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله. (۱۳۴۶ش). **منهج الصادقین فی إلزام المخالفین**. تهران: کتابفروشی اسلامی، چاپ اول.
- کاشفی، حسین بن علی. (بی تا). **تفسیر حسینی** (مواهب علیه). به اهتمام احمد بن عبد الرحیم شاه ولی الله، سراوان: کتابفروشی نور، چاپ اول.
- ماتریدی، محمد بن محمد. (بی تا). **التفسیر الماتریدی**. لبنان: بیروت، دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، سید محمدباقر. (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**. تحقیق: سید ابراهیم میانجی، محمدباقر بهبودی، قم: دارالاحیاء التراث، چاپ سوم.
- مجلسی، سید محمدباقر. (۱۴۰۴ق). **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**. مقدمه نویسنده: مرتضی عسکری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
- محدث نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**. تحقیق: مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- مصطفی، ابراهیم. (۱۹۸۹م). **المعجم الوسیط**. ترکیه: دارالدعوه، چاپ اول.
- معلوف، لوئیس. (۱۳۷۱ش). **المنجد فی اللغة**. قم: اسماعیلیان.
- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی. (۱۴۱۸ق). **المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و الآثار**. حاسبه نویسنده: منصور خلیل، بیروت: دارالکتب العلمیه چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶ش). **پیام امام امیرالمؤمنین (ع)**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهدیانفر، رضا. (۱۴۰۰ش). «تأملی در اصالت عبارت «جاهد الحسین» در متن زیارت عاشورا». **پژوهش نامه حج و زیارت**، دوره ۶، شماره ۴ - شماره پیاپی ۱۵، صص ۱۰۶-۸۳.
- وحید خراسانی، شیخ حسین. (۱۴۲۸ق). **منهاج الصالحین**. با مقدمه: سید ابوالقاسم خوئی، قم: مدرسه الامام باقرالعلوم.
- یوسفی، محمدهادی. (بی تا). **موسوعه التاریخ الاسلامی**. قم: مجمع الفکر الاسلامی

